

مردم ۸۰ کشور با سبک زندگی امام خمینی (ره) آشنا می‌شوند



فارس: نخستین اثر کانون اسلامی جوانان شهر خورشید با عنوان «زندگی به سبک روح‌الله» در ۸۰ کشور دنیا توزیع می‌شود. جواد سبزیان، مدیر روابط‌عمومی و امور بازرگانی کانون اسلامی جوانان شهر خورشید از ترجمه

پرفروش‌ترین اثر این کانون به دو زبان عربی و انگلیسی خبر داد و اظهار داشت: این موسسه از سال ۱۳۹۰ با انتشار کتاب «زندگی به‌سبک روح‌الله» فعالیت خود را آغاز کرد و این اثر هم‌کنون به چاپ چهارم رسیده است.

او افزود: این کتاب با همکاری سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی ترجمه شده و قرار است در بیش از ۸۰ کشور دنیا توزیع شود و در دسترس مخاطبان عرب و انگلیسی‌زبان قرار گیرد. مدیر روابط‌عمومی و امور بازرگانی کانون اسلامی جوانان شهر خورشید ادامه داد: «زندگی به سبک روح‌الله» تالیف علی‌اکبر سبزیان از استادان دانشگاه تنکابن است. این کتاب در نوزدهمین جشنواره کتاب سال دانشجویی به‌عنوان اثر برگزیده انتخاب شد. این عضو مجمع ناشران انقلاب اسلامی افزود: علاوه بر تقدیر از مولف این کتاب در جشنواره «پیوند آسمانی» که در آن از خیرین، فعالان و خادمان حوزه ازدواج تجلیل می‌شود، ماه گذشته نیز مسعود امینی، مدیرکل دفتر برنامه‌ریزی ازدواج و تعالی خانواده‌وزارت ورزش و جوانان، از این کتاب و اثری از حجت‌الاسلام علی‌اکبر مطهری به‌عنوان آثار ملی یاد کرد. گفتنی است، کتاب «زندگی به سبک روح‌الله» در ۱۲۰ صفحه و در قطع پالتویی به همت کانون اسلامی جوانان شهر خورشید تهیه و از سوی انتشارات «الشمس» منتشر شده است. نویسنده در این کتاب فرازهایی از خاطرات نقل‌شده از همسر و خانواده حضرت امام(ره) در مورد نوع برخورد ایشان با خانواده‌شان را ذکر کرده و در کنار آن و به تناسب موضوعاتی که در هر خاطره مطرح شده، احادیثی را نیز نقل کرده است. سبزیان همچنین از رونمایی از جدیدترین کتاب این کانون با عنوان «دغدغه‌های روح‌الله» در ایام دهه فجر خبر داد و گفت: این کتاب با محوریت دغدغه‌های امام خمینی(ره) درخصوص مسائل سیاسی، فرهنگی، ورزشی، روحانیت و… گردآوری شده است.

نشست

چهارمین نشست هم‌اندیشی الگوی پیشرفت اسلامی برگزار می‌شود

مهر: چهارمین نشست هم‌اندیشی الگوی پیشرفت اسلامی با اولویت توجه به مباحث نقشه‌راه پیشرفت جمهوری اسلامی ایران، ۱۴ و ۱۵ آذرماه جاری در شهر مقدس قم بر گزار می‌شود.

در این نشست مباحث «هرم اول الگوی پیشرفت اسلامی» بر اساس فهرست جزوه پیشخوان این نشست مورد بررسی و نقد حاضران قرار می‌گیرد، این نشست‌های هم‌اندیشی ویژه فهرست‌نویسان و فعالان عرصه الگوی پیشرفت اسلامی برگزار می‌شود. همچنین در حاشیه این نشست، جلسات بررسی و نقد فهرست و رونمایی از نمایشگاه فهرست‌نویسی و رونمایی از سه فهرست جامع تدوین شده درباره معرفی نقشه‌راه الگوی پیشرفت اسلامی برگزار می‌شود. در «اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی» موضوعات جهت‌ساز جامعه ایران شناسایی و تبیین شده است که با پردازش این موضوعات می‌توان زمینه تفاهم و تحقق الگوی پیشرفت اسلامی را فراهم آورد.

دیدگاه

انسان آینده عارف است یا اصلا وجود ندارد



ایبنا: دومین نشست از سلسله نشست‌های «نیاز انسان به عرفان و بررسی عرفان‌ها» با موضوع «بررسی مذهب‌ان عرفان اسلامی» امروز (۱۲ آذرماه) در سالن جابرین حیان دانشگاه صنعتی شریف برگزار شد، در این نشست محمد فنایی‌اشکوری با اشاره به نیاز انسان به عرفان گفت: در هر فرهنگ و تمدن و هر مذهب و آیینی عشق و علاقه به عرفان وجود دارد و عرفان یک پدیده جهانی است. به همین دلیل ما در مناطق مختلف جهان عرفان پهبود، عرفان بودایی و… را مشاهده می‌کنیم. حتی در دنیای سکولار و غیردینی نوعی گرایش به عرفان وجود دارد و در همه زمان‌ها این نیاز در انسان‌ها بوده است. وی ادامه داد: حتی ساختن عرفان‌های جعلی و انحرافی نشان می‌دهد که این پدیده تجملی، ذوقی و تشریفاتی نیست و انسان آینده بیشتر دنبال عرفان است. این استاد دانشگاه به سخن «والتر ایتسین» در کتابش اشاره کرد و گفت: او معتقد است انسان ابرمرد آینده، عارف است و مطرح می‌کند که اگر انسان آینده به سمت عرفان نرود، وجود نخواهد داشت. بنابراین انسان با عارف است یا اصلا وجود ندارد. عضو هیات‌علمی موسسه پژوهش امام خمینی(ره) با بیان تاکید بر شناسایی عرفان راستین از عرفان دروغین، افزود: عرفان یعنی معرفت شهودی خداوند که از راه طهارت و تهذیب نفس حاصل می‌شود. فنایی‌اشکوری همچنین گفت: شما برای اینکه فیلسوف باشید نیازی به تهذیب نفس ندارید اما عارف نمی‌توان شد مگر اینکه نفس را تهذیب کرد.

این استاد حوزه در بخش دیگری از سخنانش به تفاوت بین حقیقت عرفان و علم عرفان اشاره کرد و ادامه داد: علم عرفان در کتاب‌ها آمده است و هر فردی که بخواهد این علم را بیاموزد، می‌تواند کتاب‌های آن را مطالعه و حتی خودش نیز آثاری در این زمینه تالیف کند ولی نمی‌توان به مطالعه و علوم اکتسابی به عرفان حقیقی رسید، یعنی این گونه نیست که با داشتن بهره هوشی بالا همان‌طور که ریاضیات، تاریخ، فلسفه و علوم تجربی دانسته می‌شود، بتوان به حقیقت عرفان دست پیدا کرد. وی تاکید کرد: حقیقت عرفان تنها با بصیرت و رویت به‌وجود می‌آید و این بصیرت همان معرفت شهودی است. این مدرس فلسفه سپس به تشریح نسبت بین عرفان و دین پرداخت و گفت: آیا عرفان همان دین است یا غیر از دین است و اگر غیر از دین است آیا آن سازگاری دارد یا نه، وی در پاسخ به این سوالات افزود: در این‌باره دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. از نگاه اسلامی عرفان و دین دو مقوله جدا از هم نیستند و اگر عرفان چیزی غیر از دین باشد و ما به غیر از دین به عرفان هم نیاز داشته باشیم، معلوم می‌شود دین برای ما کافی نیست. در نگاه اسلامی چنین گزاره‌ای صحیح نیست و ما برای رستگاری به چیزی غیر از دین نیاز نداریم و عرفان باید در داخل دین باشد. این استاد حوزه و دانشگاه در بخش دیگری از سخنانش سه پدیده در جهان اسلام را نام برد و افزود: جریان نخست درباره حقیقت عرفان، جریان دوم مخالف عرفان و جریان سوم درباره انحراف در عرفان است. فنایی‌اشکوری در این باره توضیح داد: عرفان منبش دین و قرآن است و در قرآن آیات بسیاری داریم که به بُعد عرفانی دین اشاره می‌کند.

اندیشه

پنجشنبه ۱۴/ آذر ۱۳۹۲ / شماره ۱۲۶۰

گزارش سخنرانی نعمت‌الله فاضلی در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

شادی به مثابه حق عمومی

■ **الله شیری‌لو**

یکی از سنت‌های نیکوی سال‌های اخیر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزاری جلسات سخنرانی برای اساتید صاحب‌نظر و صاحب قلم در رشته‌های گوناگون مربوط به علوم انسانی است. سخنرانی‌هایی که در هر کدام سعی می‌شود بخشی از پرشش‌های مغفول‌مانده ناظر به علوم انسانی و مطالعات فرهنگی را پاسخ گوید. صبح یکشنبه ۱۰ آذرماه نیز در یکی از این نشست‌ها دکتر نعمت‌الله فاضلی با موضوع «شادی به مثابه توسعه» به سخنرانی پرداخت؛ موضوعی چالش‌برانگیز که به مدت نزدیک به دو ساعت از سوی این اسنان‌شناس ایرانی و دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی بیان شد. دکتر فاضلی که در طول سال‌های اخیر نقش ویژه و موثری در گسترش رشته مطالعات فرهنگی در ایران داشته است، ضمن بیان نسبت مابین شادی و توسعه، به رویکردها، نیازها و کمبودهای این دو مقوله پرداخت و در پایان بحث خود یک جامعه مولد و خلاق را یک جامعه شاد دانست. هر چند سخنران نشست «شادی به مثابه توسعه» موضوع خود را تا حدود زیادی پارادوکسیکال و متناقض می‌دانست، اما نتیجه پایانی بحث خواندنی و بدیع بود.

■ ■ ■

■ پارادوکسیکال و متناقض

دکتر نعمت فاضلی در ابتدای صحبت‌های خود در این نشست با اشاره به موضوع سخنرانی خود گفت: این موضوع تا حدود زیادی پارادوکسیکال و متناقض است؛ زیرا کسانی که راجع به توسعه صحبت می‌کنند، درباره مسوالات استراتژیک و نه مباحث رمانتیک، بحث می‌کنند. البته برداشت رمانتیک از شادی برداشت ناقصی است. الگوهای توسعه یک بحث استراتژیک و خشن است که درصدد تغییر در زندگی جامعه‌است اما این دو مفهوم می‌توانند با هم همپوشانی داشته باشند. ما درصددیم یک الگوی جامعه‌شناختی از شادی ارائه دهیم و پس از آن به دیدگاه‌های الگوهای توسعه رویکردهای انتقادی داشته باشیم.

■ شادی به مثابه دال مرکزی توسعه

وی در ادامه افزود: ما می‌خواهیم شادی را به مثابه دال مرکزی توسعه مطرح کنیم. سوال این است که چرا باید راجع به توسعه و شادی صحبت کنیم؟ یکی از ضرورت‌های هر جامعه مبحث توسعه و شادی است. شادی به مثابه یک حق و خواست جمعی است. مساله شادی امروزه چیزی نیست که فقط به‌خواهیم آن را بر عهده شاعران، ادیبان و روانشناسان بگذاریم. از لحاظ تاریخی روانشناسان، فیلسوفان و عارفان راجع به شادی بحث‌هایی کرده‌اند. فیلسوف‌هایی مانند اپیکور می‌کرده، اشتباه است. اتفاقا اپیکور گفته برای رسیدن به شادی باید از بند لذت‌های مادی رها شد. اما مساله امروز شادی چیزی فراتر از فلسفه، عرفان و روانشناسی است.

■ شادمانی یک حق عمومی است

این استاد دانشگاه علامه طباطبایی با اشاره به این مساله که تمام تلاش‌های تاریخی که در اندیشه انسانی برای شادی انجام شده است عمدتا جنبه‌های فردی و شخصی داشته، اظهار کرد: اتفاقی که در دنیای امروز افتاده این است

ماست. اما در دیدگاه نوع سوم که دیدگاه ترکیبی است باید هر دو بعد پیشین را مبنای فهم و به‌عنوان شاخص‌های اصلی شادی در نظر بگیریم؛ یعنی باید هم دیدگاه شناختی و ارزیابی و هم حالت عاطفی را بررسی کنیم.

■ فهم عمیق‌تر از زمینه‌های مولد شادی

نویسنده کتاب «مردم‌نگاری آموزش» با ذکر این مطلب که ما در یک تجربه تاریخی گسترده به‌فهم‌های عمیق‌تری از عوامل و زمینه‌های مولد شادی رسیدیم، گفت: این عوامل هم جنبه مادی و غیرمادی و هم جنبه فرامادی دارند. من پارادایم‌های توسعه را به دو دسته شاد و ناشاد تقسیم می‌کنم. پارادایم‌های ناشاد پارادایم‌هایی هستند که به توسعه کالاها، اشیا و بهبود وضعیت مادی و عینی زندگی فردی و اجتماعی توجه دارند. وی در ادامه با تقسیم‌بندی دیدگاه‌ها در پارادایم ناشاد به چند دسته، اظهار داشت: دیدگاه اول، دیدگاهی است که شاخص اصلی در آن نرخ رشد اقتصادی است. در این دیدگاه انسان مساله اصلی و دال مرکزی نیست. دیدگاه دوم، دیدگاه نظریه‌های نوسازی است. این دیدگاه به مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به‌طور کلی نگاه می‌کند. در این دیدگاه نیز مساله اساسی انسان نیست. تجربه‌های نوسازی در کشورها نشان داده است که بحران‌ها هر روز تشدید می‌شوند. تکیه این دیدگاه بر نوعی غربی‌سازی است. دیدگاه سوم، دیدگاه صنعتی شدن است. این دیدگاه معتقد بود که فناوری‌ها می‌توانند مشکلات انسان را حل کنند و صنعتی شدن به‌عنوان یک شیوه زندگی مطرح شد. متأسفانه صنعتی شدن، جامعه‌ای پرمخاطره را ایجاد کرده و در اشکال گوناگون ماشین را جای انسان قرار داده است.

■ دستیابی به یک الگوی انسان‌گراتر

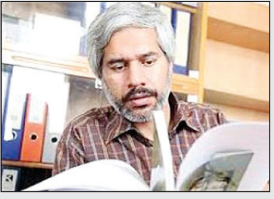
نویسنده کتاب «فرهنگ و شهر» با اشاره به این مساله که هیچ‌کدام از این دیدگاه‌ها نتوانستند به‌عنوان راهبرد در زندگی مشکل‌گشا باشند، اظهار داشت: هر چند این به آن معنا نیست که این دیدگاه‌ها دستاوردهای مثبت نداشته‌اند. این ناتوانی‌ها اندیشمندان را به آنجا رساند که به بازاندیشی در این مفاهیم بپردازند تا به یک الگوی انسان‌گراتر برسیم. به همین دلیل از دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ الگوهای جدیدی مطرح شدند.

■ توسعه اجتماعی

فاضلی در توضیح این‌ الگوها اظهار داشت: اولین الگو، الگوی توسعه اجتماعی بود. این الگو، الگوی انسان‌گراتری نسبت به الگوهای کلاسیک است و گسترش خدمات، توجه به آموزش، بهبود

شریف لک‌زایی مطرح کرد

چرایی شکل‌گیری فرهنگ ترجیح نفع شخصی بر عمومی



چون ما قائل هستیم که جامعه روحی دارد و طبیعتا این روح جایگاه و اقتضانات و الزاماتی دارد که طبیعتا نمی‌توانیم هر کدام را فدای دیگری کنیم. این بحث در آموزه‌های اسلامی و میان متفکران ما مطرح می‌شود که اگر یک موقعی تزاحمی بین منافع فرد و منافع اجتماعی است که نظام سیاسی آن اعمال قدرت و منافع فرد عبور کند و البته باید آن ضرر و زیان جبران شود. نظرات مختلفی در این مورد وجود دارد و به بحث‌های حکومتی و بحث‌هایی که در حوزه سیاسی می‌شود، کشیده می‌شود. درست است ممکن است منافع جامعه لحاظ شود اما طبیعتا این تقدم به معنای این نیست که فرد آسیب ببیند یا منافعش زیر پا گذاشته شود. اگر به خاطر جامعه منافع فرد را عقب می‌رانیم و کنسار می‌گذاریم و تقدم را به منافع جامعه می‌دهیم ضرر و زیان و آسیبی که به فرد و افراد وارد می‌شود حداقل باید جبران شود.

با توجه به مسائل و چالش‌های امروز کشور،

فرهیچگان ۱۲

گروه اندیشه . ✉️پست الکترونیک: Hamedshargh@yahoo.com



مشارکت اجتماعی بالاتر و شادی بیشتر

نعمت‌الله فاضلی در این نشست تصریح کرد: هر چقدر نظام سیاسی دموکراتیک‌تر، آزادانه‌تر و انسان‌گراتر باشد، فرهنگ شادی بیشتر جای خود را باز می‌کند و توسعه همه‌جانبه‌تر دیده می‌شود. توسعه همه‌جانبه نیازمند یک نظام سیاسی و حکومت قوی است که امکان نگرش همه‌جانبه به توسعه، رشد خلاقیت‌ها و کیفیت زندگی را ایجاد کند. هر چقدر مشارکت اجتماعی بالاتر رود، شادی بیشتر می‌شود. شادی مستلزم تحولات ساختاری است. هر چقدر تولید و مصرف فرهنگ جامعه بالاتر رود، جامعه شادتر می‌شود. آموزش که به خودشکوفایی بینجامد می‌تواند فرهنگ و شادی را تولید کند. یک جامعه خلاق و مولد، یک جامعه شاد است. دکتر فاضلی در صحبت‌های خود اظهار داشت: توسعه فرهنگی منجر به شادی می‌شود. اگر مردم دروغ می‌گویند و خیانت می‌کنند به این معنا نیست که نمی‌دانند این فعل‌ها مذموم است بلکه به این معناست که ساختارهای تولید دروغ فعالانه با چارچا هستند. توسعه فرهنگی یعنی توسعه خلاقیت‌ها. توجه به فرهنگ به مثابه سرمایه می‌تواند فلسفه اخلاق را در جامعه گسترش دهد. جامعه‌ای سالم‌تر است که سرمایه فرهنگی‌اش به سرمایه سیاسی‌اش ارجحیت داشته باشد.

بهداشت، افزایش امید به زندگی و طول عمر، توجه به مشارکت، مسکن مناسب و… را مینا قرار می‌دهد. این الگو بر مفهوم همبستگی اجتماعی تاکید می‌کند. در این الگو افزایش تعلق عاطفی و افزایش احساس مسوولیت اجتماعی، دو مولفه اصلی توسعه اجتماعی هستند. سیاست‌های توسعه باید بتوانند حسن تعلق و مسوولیت اجتماعی را بالا ببرند. الگوی دوم، الگوی کیفیت زندگی است. کیفیت زندگی یک مفهوم اساسی است که تلاش می‌کند انسان را به‌عنوان مبنای توسعه‌جانشین نرخ رشد و نوسازی کند و برخی از مفاهیم مانند نوع‌دوستی، ازخودگذشتگی و محیط‌زیست را در نظر می‌گیرد. نسبت به مفاهیم و الگوهای کلاسیک توسعه، الگوی کیفیت زندگی کیفی‌گراتر است. بخش عظیمی از هویت انسانی ما قابلیت مشاهده و اندازه‌گیری را ندارد و این مساله الگوهای کمی‌گرای کلاسیک را ناقص می‌کند. کیفیت زندگی ریشه در یک چرخش پارادایمی معرفت‌شناختی دارد.

■ داشتن سواد مبنای توسعه نیست

وی تصریح کرد: الگوی سوم توسعه انسانی است. در این الگو باید توسعه انتخاب‌های مردمی، افزایش شرافت انسانی، مساوات، دموکراسی و حفظ محیط‌زیست مبنا باشد. نکته مهم در آن تاکید بر مساله حقوق بشر، دموکراسی و آزادی انسانی است که از اهمیت بالایی برخوردار هستند. در این‌ میان خودشکوفایی یکی از اصلی‌ترین شاخص‌هاست. از سوی دیگر باید توجه کرد که داشتن سواد مبنای توسعه نیست بلکه کاربردهای سواد مبنای توسعه است. الگوی چهارم سلامت اجتماعی است. ما باید کاری کنیم که یک جامعه سالم داشته باشیم. خودشکوفایی، همبستگی، انسجام و مشارکت اجتماعی از شاخص‌های این رویکرد هستند. ما باید روش‌های پیشگیری را همراه با درمان بسط دهیم و فضای سیاسی و اجتماعی آلوده را از بین ببریم زیرا این فضاهای آلوده دموکراسی و حقوق بشر را نابود می‌کنند. نظام سیاسی باید رضایت را مدیریت کند نه اینکه به مدیریت نارضایتی‌ها بپردازد. جامعه سالم جامعه‌ای است که نظام سیاسی آن اعمال قدرت و منافع را به مشارکت و مشارکت سیاسی استوار است. سلامت اجتماعی، ما را به سمت یک نگاه ضدتبعضی می‌برد و تبعضی‌های جنسیتی، فرهنگی و قومی- مذهبی را به حداقل می‌رساند.

■ لزوم سهولت تبدیل سرمایه‌های اجتماعی و اقتصادی

این استاد دانشگاه در توضیح الگوی پنجم به

ترجیح نفع عمومی بر نفع شخصی چه اهمیتی دارد و این مساله بیشتر در چه موضوعاتی نمود پیدا می‌کند؟

طبیعتا این نفع یا منافع عمومی ابعاد و سطوح زیادی دارد. یکی از آنها به صورت کلی فرهنگ است که در یک بخش خرد مثلا بحث ترافیک و رانندگی و رفت‌وآمد افراد در جامعه جریان دارد و می‌تواند مورد مثال قرار گیرد. به هر حال راننده‌ای که مراعات دیگران را نکرده و قانون را رعایت نمی‌کند و سبقت غیرمجاز می‌گیرد یا از چراغ قرمز عبور می‌کند و کلا قانون‌شکنی می‌کند، برای دیگران خطرسازی می‌کند و ثابیا با این خطری که برای دیگران ایجاد می‌کند طبیعتا زمینه آرامش روانی دیگران را از بین می‌برد و در واقع به اینکه نفع شخصی خود را دنبال کرده، نفع عمومی را به نوعی نابود و جامعه و دیگران را متضرر کرده است. این فضا خیلی محدود معنا پیدا می‌کند که فردی با رفتار مبتنی بر نفع شخصی خود، آسیبی را به جامعه و هموعان و همشهریان خود وارد می‌کند که این آسیب‌ها، ممکن است آسیب‌های روانی باشد و آرامش روانی را سلب کند و در سطحی آسیب‌های سخت‌افزاری و حادثه‌ای و جانی و مالی باشد. بنابراین در همه سطوح این بحث می‌تواند جریان پیدا کند.